

انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها

جواد جمالی*
ابراهیم شفیعی‌پور**

چکیده

بی‌شک، انقلاب اسلامی ایران منشأ بیداری اسلامی در خاورمیانه بوده است. به همین دلیل نظام جمهوری اسلامی نقش الگو و جهت‌دهندگی برای تحولات سیاسی اخیر منطقه خواهد داشت. بیداری اسلامی در کشورهای عربی توانست گفتمان مسلط حکومت‌های استبدادی در منطقه خاورمیانه را زیر سؤال برده و اساس آن نظام‌ها را برچیند. مجموعه این تحولات حاوی فرصت‌هایی چون مسلط کردن گفتمان مقاومت، تعیین سرنوشت مردم توسط خودشان، برپایی حکومت‌های اسلامی و ... است. همچنین حضور بیگانگان و غربیان در منطقه و تحولات آن، مصادره شدن انقلاب‌های مردم مسلمان منطقه به نام برخی اشخاص و گروه‌ها، انحراف مسیر تحقق اهداف انقلابی مردم و استحاله یافتن آنها از جمله تهدیدهای اصلی فراروی انقلاب‌های مردمی کشورهای منطقه به شمار می‌رود. لذا ما در این نوشتار برآنیم تا چالش‌ها و فرصت‌هایی که این تحولات ژئوپولوتیک در آینده برای انقلاب اسلامی ایران فراهم خواهد کرد را با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، امنیت ملی، فرصت‌ها و تهدیدها.

مقدمه

جامعه بین‌المللی از سال ۲۰۱۱ به بعد شاهد مجموعه‌ای از خیزش‌های مردمی در منطقه خاورمیانه تحت

jamali.javad76@yahoo.com

*. کارشناس ارشد علوم سیاسی.

**دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۹

عنوان بیداری اسلامی بوده است. این تحولات از یک سو ژئوپولوتیک خاورمیانه را دستخوش تغییرات جدی کرده است به گونه‌ای که در برخی از موارد پیامدهای ناشی از این تغییرات سبب شده است که نظریات ژئوپولوتیک سنتی قادر به تبیین این موضوع که عمدتاً بر فضای مکانی تاکید دارند نباشد، از سوی دیگر ثبات استراتژیک در این منطقه بیش از هر زمان دیگر به دلیل تغییرات ناشی از صف‌بندی محورهای مقاومت و ضد مقاومت در شرایط پس‌انقلابی، شکننده‌تر به حساب آید. این تحولات بی‌شک به دلیل نقش بی‌بدیل انقلاب اسلامی در آن چالش‌ها، فرصت‌های امنیتی نوینی را برای انقلاب اسلامی ایران به بار خواهد آورد. لذا در این نوشتار، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی هستیم که پیامدهای احتمالی تغییرات ژئوپولوتیک نوین خاورمیانه به دلیل بیداری اسلامی بر انقلاب اسلامی و امنیت ملی ایران چیست؟ فرضیه‌ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که بیداری اسلامی مناسبات امنیتی منطقه را دستخوش تغییر قرار داده و برای قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران، فرصت‌ها و چالش‌هایی را به لحاظ ژئوپولوتیکی فراهم آورده است. در این پژوهش سعی شده است ابتدا با بررسی نظریه ژئوپولوتیک و امنیت ملی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی در دو محور مقاومت و ضد مقاومت بپردازیم و در پایان نیز یک نتیجه‌گیری با توجه به سؤال و فرضیه مطرح شده صورت گیرد.

چارچوب نظری

امنیت ملی^۱ به حالتی گفته می‌شود که در آن، در مقابل اقدامات مسلحانه یا خراب‌کارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفتن یک کشور، مصونیت نسبی یا مطلق وجود دارد. امنیت ملی بیانگر تمامی مقاصد دفاعی کشور، یعنی آمادگی برای مخاصمه به دلیل بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن است. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۸۰) درک امنیتی همواره با مشکلات خودمحوری قومی، رئالیسم نظری، بنیادگرایی ایدئولوژیکی و تقلیل‌گرایی^۲ به معنای تبدیل شدن پدیده‌های ذهنی به اصطلاحات ساده اندیشانه، همراه بوده است. (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۳) نظریات مختلفی در مورد امنیت ملی مطرح شده است. یکی از نقاطی که به لحاظ امنیتی در کانون توجه جهانی قرار دارد، منطقه خاورمیانه می‌باشد. این منطقه به لحاظ ژئوپولوتیک یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین و در عین حال، چالش‌برانگیزترین نقاط جهان محسوب می‌شود. آنچه بیش از همه در فوریت و اهمیت آن نقش داشته، اهمیت ژئوپولوتیک آن همراه با اهمیت ژئواکونومیک و ژئوکالچر آن بوده است. شکننده بودن امنیت در این منطقه به گونه‌ای است که هرگونه تغییر در ژئوپولوتیک منطقه همانند بازی دومینو می‌تواند امنیت ملی سایر کشورهای منطقه و حتی امنیت جهانی را در معرض خطر و یا حتی آن را دستخوش تغییر کند.

1. National Security.
2. Reductionism.

تاکنون تعاریف مختلفی از ژئوپولیتیک شده است و شاخص‌های مختلفی را نیز در بر می‌گیرد. ژئوپولیتیک، علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است. (حافظیان، ۱۳۸۵: ۳۶) این روابط و کنش، تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپولیتیک دولت‌ها و نیز ساختار ژئوپولیتیک جهانی است. ژئوپولیتیک آموزه‌ای است که به وسیله آن، پدیده قدرت در چارچوب تمایزات و ویژگی‌های سرزمینی یا جغرافیایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کد ژئوپولیتیک، نوعی دستور کار، پیش‌فرض استراتژیک و برنامه‌های تصور ذهنی است. (همان: ۱۴۴) از این رو رسانه‌ها نیز (در کنار جغرافیا) از کنش‌گران اصلی هم‌اوردی در جهان سیاست هستند. پیوند قلمرو معنایی تصویرسازی رسانه‌ای و تصور ژئوپولیتیکی، تبیین‌کننده بخش مهمی از ابعاد مفهومی ژئوپولیتیک رسانه است. عنصر تصویرسازی رسانه‌ای و تصور ژئوپولیتیکی در نظام رسانه‌ها از آن روی مهم است که کنش اجتماعات انسانی در دوران مدرن به دلیل پیچیدگی جوامع و تعدد عوامل بر پایه تصاویر شکل می‌گیرند و تعریف می‌شوند. (هوور و لاند بای، ۱۳۸۲: ۱۸۸) به عبارت دیگر، تصویری که دولت‌ها از ژئوپولیتیک دیگر کشورها دارند نقش بسیار مهمی در قدرت و امنیت کشورها ایفا می‌کند.

دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس تصور ژئوپولیتیکی شکل می‌دهند؛ به طوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به یک کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپولیتیکی آن است. (حافظیان، ۱۳۸۸ الف: ۱۴۴)

بر این اساس، منطقه خاورمیانه به عنوان پدیده‌ای ژئوپولیتیکی نماینده گونه‌ای ویژه از کنش‌ها و واکنش‌ها و عدم تجانس‌های فرهنگی و مذهبی با مرزهای جغرافیایی، عموماً مورد اختلاف رژیم‌های سیاسی است. آنچه این منطقه را قبله آمال قدرت‌های بزرگتر قرار داده، جایگاه استراتژیک و منافع سرشارش می‌باشد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۹ - ۱۹۷) اهمیت ژئوپولیتیک خاورمیانه را در تئوری‌های زیادی می‌توان یافت. مثلاً براساس تئوری هارتلند^۱ هر کشوری که منابع انسانی و فیزیکی اوراسیا، واقع بین آلمان و سیبری مرکزی را در اختیار داشته باشد، می‌تواند جهان را کنترل کند. (الهی، ۱۳۸۴: ۲۰) اساس تز معروف مکیندر این بود که حوزه داخلی اوراسیا منطقه محوری سیاسی جهان است. مکیندر متذکر شد که این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی شکل محاصره می‌شود که خاورمیانه در آن جای دارد. (دراسیدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۳۶)

توجه به این نکته در مطالعات منطقه‌ای مهم است که بسته به نوع منطقه و شدت تحولاتی که منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احتمال دگرگونی در معادلات سیاسی، استراتژیک و امنیتی وجود دارد. به عنوان مثال ممکن است منطقه‌ای به دلیل موقعیت استراتژیک آن در معادلات سیاسی - امنیتی یا حساسیت اقتصاد جهانی به آن منطقه و شرایط حاکم بر کشورهای آن منطقه، با کوچکترین تحولی در یکی از کشورهای

1. Heartland.

عضو، تغییرات بزرگی را در ژئوپولیتیک خود تجربه کند و در مقابل، یک منطقه غیر حساس از نظر امنیتی و اقتصادی در نظام بین‌الملل با از سر گذراندن تحولات بسیار، تغییر ژئوپولیتیکی چندانی را شاهد نباشد. (توتی و شیخ سرائی، ۱۳۹۰: ۲۶۹)

وضعیت خاورمیانه، حاوی گذار و تحول در سلسله‌مراتب قدرت‌ها و تلاش‌های هریک از آنها برای شکل‌دهی به نظم جدید است. از سوی دیگر، درک نوین ژئوپولیتیک علاوه بر ارائه تحلیل مذکور، معتقد است خاورمیانه در وضعیت جدید دچار مسائل و مشکلاتی است که محور اصلی آن امنیت است. برخلاف رویکرد سنتی، ژئوپولیتیک مدرن ارائه دهنده این بصیرت است که در کنار رقابت طبیعی بازیگران برای احراز جایگاه بالاتر در نظم سلسله‌مراتبی جدید، مسائل بی‌شماری آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد که بازی آنها را از حالت منازعه خارج و به حالت همکاری و مشارکت در شکل‌دهی به یک نظم با ثبات در عین رقابت در می‌آورد. مطابق با این درک، توصیه ژئوپولیتیک نوین به سیاست خارجی کشورهای دخیل، آن است که ضمن درک محدودیت‌ها و امکانات، در پیگیری از منافع خود آگاه باشند که منافع و امنیت آنان جز در حالت همکاری تأمین نخواهد شد؛ زیرا امنیت در دوران جدید خاورمیانه صورتی پیچیده یافته است. (Ladis, 1960: 19)

در فضای جدیدی^۱ که بعد از تحولات ژانویه ۲۰۱۱ بر کشورهای خاورمیانه سایه افکنده است، ایران به‌دلیل موقعیت ژئوپولیتیک^۲ منحصر به فرد در این منطقه، در یکی از حساس‌ترین دوران تاریخی خود به سر می‌برد. این دگرگونی‌های سیاسی - امنیتی در خاورمیانه از یک سو می‌تواند برای امنیت ملی ایران فرصت‌هایی به وجود آورد و از سوی دیگر چالش‌هایی را به همراه داشته باشد. درک عمیق نسبت به این فرصت‌ها و چالش‌ها می‌تواند نقش بسیار مهمی در امنیت ملی ایران ایفا کند. از این‌رو در این پژوهش تلاش شده است تا با بهره‌گیری از چارچوب نظری مذکور به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی پیش روی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه بپردازیم.

تجزیه و تحلیل تحولات ژئوپولیتیک اخیر خاورمیانه: عوامل و زمینه‌ها

درک فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی پیش روی جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه، بدون شناخت و تجزیه و تحلیل عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری آن امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، تلاش شده است تا پیش از بررسی چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی پیش روی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه، تصویری روشن از علل و عوامل شکل‌گیری این تحولات ارائه دهیم.

با توجه به توازن و فرآیند ساختار قدرت در حوزه عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، هرگونه تحلیل و تبیین و یا بازنمایی از چشم‌انداز و تحولات ژئوپولیتیکی در این حوزه، مستلزم تحلیل و تبیین

1. New Space.
2. Geopolitic Position.

مجموعه‌ای از عوامل تغییر و تحول ساختاری در آن است که همواره ضمن تأثیرات گسترده درون‌حوزه‌ای، سبب لرزش‌ها و تحولات ژئوپولتیکی خاص در سطوح مختلف بین‌المللی می‌گردند. در اوایل سال ۲۰۱۱ با اوج‌گیری تدریجی انقلاب‌ها و خیزش‌های مردمی در حوزه عربی - اسلامی مناطق شمالی آفریقا و خاورمیانه عربی که ابتدا با سرنگونی زود هنگام زین‌العابدین بن‌علی دیکتاتور کشور تونس آغاز شد، متعاقباً در یک فاصله زمانی یک ماهه، حسنی مبارک در مصر نیز سرنگون گردید. در ادامه ضمن سقوط سرهنگ قذافی، دیکتاتور لیبی، موج گسترده‌تری از قیام‌های مردمی، سایر دیکتاتوری‌ها و حکام موروثی به خصوص کشورهای یمن، بحرین، اردن و عربستان را در بر گرفت.

برخی از تحلیل‌گران امور بین‌الملل و استراتژیست‌های مسائل جهانی از این قیام‌ها به عنوان دومینوی سقوط دیکتاتورها یاد کردند. اما چشم‌انداز موجود حاکی از آن است که این تحولات سیاسی، دگرگونی‌های گسترده‌تری در صحنه سیاست جهانی و نیز مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه خواهد داشت. لذا همانند تجربیات بسیاری از جوامع معترض و انقلابی که به دگرگونی‌های متعدد و متفاوتی دست یافته‌اند، خیزش‌های عمومی در حوزه عربی اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ریشه در مسائل و معضلات عدیده فکری، اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مغفول مانده از سوی دولت‌های سرنگون شده منطقه دارد.

در شرایط کنونی، رشد و گسترش این تحولات و هم‌گامی آن با فراگیری تکنولوژیکی رسانه‌ای به‌ویژه بهره‌برداری از فضای مجازی در قالب شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات اینترنتی که بیانگر ژئوپولیتیک اینترنت و فضای مجازی است (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۹) امکان اطلاع‌رسانی سریع و بهینه در میان طیف‌ها و لایه‌های گوناگون جوامع به خصوص از سوی نسل‌های جوان فراهم شده و از منظر سیاسی و امنیتی و دیپلماتیک، ملت‌های منطقه را به بازیگرانی مؤثر در سیر تحولات و تعاملات استراتژیک تبدیل کرده است.

از سوی دیگر در جریان تحولات بیداری اسلامی، جهانی شدن نیز باید در کنار معادلات ژئوپولتیکی مدنظر قرار گرفته شود. جهانی شدن، آگاهی‌های ملی و قومی و شهروندی را بالا می‌برد و بدین‌سان مردم برای دستیابی به حقوق خود جدال با حکومت‌ها می‌شوند. این امر به‌ویژه در منطقه خاورمیانه که در آن بسیاری از حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا مدل وستفالیایی حکومت - کشور را حفظ کنند به چشم می‌خورد.

دولت‌های منطقه خاورمیانه عمدتاً دارای بحران مشروعیت بوده‌اند و شکاف بین ملت و حکومت از طرق غیر دموکراتیک برطرف شده است. جهانی شدن به همراه تمامی تناقضات، حداقل این شکاف و عدم مشروعیت را آشکار کرده و زمینه حرکت مخالفان و معترضان را فراهم کرده است. اما در حقیقت آمار بالای فقر، بیکاری، بی‌سوادی، سطح پایین مشارکت سیاسی، نابرابری‌های جنسیتی، مذهبی و رشد جمعیت، اوضاع نامناسب اقتصادی، فساد مالی و حکومت‌های اقتدارگرای ناکارآمد، در مجموع بستر مناسبی را برای رشد نیروهای مخالف فراهم می‌سازد. با توجه به آمار منشر شده در گزارش «توسعه انسانی جهان عرب»، منطقه

خاورمیانه وضعیت دشواری را در مقابل امواج جهانی در پیش رو خواهد داشت. (جلیلود، ۱۳۸۹: ۱۶۸ - ۱۶۶)

در جهان عرب، نیروهای اجتماعی مخالف دولت‌های دیکتاتوری به دو نکته کلیدی استبداد و فساد معترضند. طبقات پایین که از بی‌عدالتی اجتماعی در کنار فقر رنج می‌برند در کنار افشار تحصیل کرده که بیشتر توجهشان به استبداد است، به خیابان‌ها ریخته‌اند. طبقه متوسط این جوامع به لحاظ دیدگاه سیاسی آزادی‌خواه بودند. اعضای این طبقات، مشتاق سطحی از مردم‌سالاری و آزادی‌اند که معتقدند مناسب این روزگار است، آنها مدافع مدرنیته هستند. (آشکار، ۱۳۹۰: ۹)

براساس برخی دیگر از تحلیل‌ها، شرایط اقتصادی نامناسب و چالش‌های اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی، عامل اصلی اعتراض و قیام‌ها بوده است و لذا از واژه‌هایی چون «انقلاب نان» برای این جنبش‌ها استفاده می‌کنند. واقعیت این است که فقر، محرومیت و عدم توسعه همگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مشکلات ریشه‌ای جهان عرب، به خصوص در کشورهای دچار انقلاب به شمار می‌رود که باعث بسترسازی شکاف مثلث شوم فقر، فساد، تبعیض شده است. براساس آمارهای سازمان‌های معتبر بین‌المللی، شاخص‌های اقتصادی چون نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و خط فقر در اکثر کشورهای عربی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. چنان‌که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت کشورهای عربی، جوان بوده و صندوق بین‌المللی پول هشدار داده که میزان فقر و بیکاری در منطقه عربی افزایش خواهد یافت و این منطقه تا سال ۲۰۲۰ نیاز به ایجاد حداقل ۱۰۰ میلیون فرصت شغلی دارد. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

در کنار عوامل مذکور، عامل فرهنگی و اعتقادی و به عبارت دقیق‌تر رستاخیز دینی و اسلامی را می‌توان یکی از عوامل اصلی بروز قیام‌ها و انقلاب‌های مردم منطقه دانست. براساس شواهد موجود، کسی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که نهضت‌ها و حرکات و اعتراضات یک سال گذشته ملت‌های منطقه صیغه دینی، اعتقادی، اسلامی داشته‌اند. این موضوع را به وضوح می‌توان در شعار الله‌اکبر، نمازهای جمعه و جماعت و فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا در این اعتراضات و نقش و قدرت تأثیرگذاری آنان در به نتیجه رسیدن قیام‌ها مشاهده کرد. اسلام‌گراها در کشورهای مصر، یمن، تونس، لیبی، بحرین، الجزایر، اردن از قدرتمندترین گروه‌ها هستند.

تغییرات ژئوپولیتیک اخیر خاورمیانه و امنیت ملی ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها

توازن قدرت در خاورمیانه از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون در قالب دو محور اصلی از بازیگران سیاسی شکل گرفته و پایدار مانده است. محور اول که محور مقاومت نامیده می‌شود، شامل دو دولت ایران و سوریه و بازیگران غیردولتی اما نیرومندی چون حزب‌الله و گروه‌های جهاد فلسطینی حماس و جهاد اسلامی است. ویژگی بنیادین این محور، رویکرد غیرقابل تغییر ضد اسرائیلی و ضد جریان سازشکار و آشتی‌جوی عربی با دولت اسرائیل است. مخالفت با حضور و نفوذ ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و به طور کلی کشورهای عربی و نیز روابط پرتنش و خصومت‌آمیز با دولت‌های دوست آمریکا، یعنی پادشاهی‌های عربی (شیخ نشین‌ها) و رژیم‌های

دیکتاتور سکولار نزدیک به غرب، ویژگی‌های دیگری است که توصیف کننده ماهیت محور مقاومت است. محور دوم، محوری است که باید آن را محور دوستان، متحدان و شرکای راهبردی ایالات متحده و غرب نامید. ستون اول این محور، عربستان سعودی و دیگر حکومت‌های پادشاهی (امارات متحده عربی، عمان، بحرین، کویت، اردن و با رویکردی متفاوت، قطر) و ستون دیگر آن دیکتاتورهای نظامی و سکولار در مصر، تونس و یمن بوده‌اند. آنچه ماهیت این محور را مشخص می‌کند، دارا بودن منافع و اتحاد راهبردی با ایالات متحده و غرب در مسائل امنیتی و نظامی، ترس از جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای مهار قدرت آن و نیز مقابله با دوستان و متحدان ایران در سطح منطقه، کوشش برای دستیابی به صلحی فراگیر میان اسرائیل و اعراب و در عین حال دامن زدن به ایران‌هراسی از طریق برقراری دوگانه شیعه - سنی در خاورمیانه بود. نمود این رفتار را می‌توان در ایجاد بلوک دولت‌های عربی سنی‌مذهب در مقابله با جنبش‌های شیعی مورد حمایت ایران در عراق، یمن، لبنان و اخیراً بحرین و عربستان مشاهده کرد. (Borm, 2011: 43)

اما تحولات اخیر خاورمیانه که با خودسوزی یک فروشنده دوره‌گرد در تونس آغاز گردید، علی‌رغم رویارویی با موانعی در یمن، اردن، عربستان و بحرین معادلات امنیتی و ژئوپولیتیکی در خاورمیانه را تغییر داد. به گونه‌ای که این تغییرات در آینده‌ای نه چندان دور می‌تواند چیدمان محور مقاومت و ضد مقاومت در خاورمیانه و متعاقباً مناسبات امنیتی در این منطقه را دستخوش تغییرات جدی کند. از سوی دیگر ایران نیز همانند هر کشور دیگری نمی‌تواند از آنچه در اطرافش می‌گذرد، غافل بماند. تلاش در راه هماهنگ شدن با دگرگونی‌های جهانی و منطقه‌ای و شکل دادن به این دگرگونی‌ها براساس منافع ملی، باید انگیزه پراهمیتی در جهان‌گرایی اقتصادی و ژئوپولیتیک ایران باشد و برای دست یافتن به این موقعیت، حضور در قلب تحولات ضروری است. (مجتهد زاده، ۱۳۸۶: ۳۶۵) این تحولات ژئوپولیتیک در خاورمیانه چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران دربرداشته که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱. چالش‌های امنیتی پیش روی ایران

گرچه مردمان این کشورها به صورت اساسی می‌دانند چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند، ولی مسئله آن است که گروه‌های عمده مبارزه نمی‌دانند که چگونه باید خواسته‌های خود را تحقق عینی بخشند. تردیدی نیست که آنها اقتدارگرایی، سکولاریسم و فقر و فساد را نمی‌خواهند. همچنین شکی نیست که آنان خواهان تحقق یک نظام سیاسی مبتنی بر اسلام و مردم‌سالاری هستند تا آنها را نسبت به حل مسئله توسعه نیافتگی و نهایتاً تأمین استقلال و عزت ملی در برابر غرب قادر سازد. ولی تحقق این آرمان‌ها، ابزارها و شیوه‌هایی را می‌طلبد که نیروهای موجود در صحنه از آنها بی‌بهره‌اند.

با شروع حرکت‌های انقلابی در منطقه، همواره دو الگو در برابر انقلابیان عرب قرار داشته است: عده‌ای انقلاب اسلامی را الهام‌بخش آن دانسته‌اند و برقراری الگویی شبیه آنچه در ایران حاکمیت دارد، یعنی

جمهوری اسلامی و نظم مردم‌سالاری دینی را برای آینده این جنبش‌ها پیش‌بینی می‌کنند. عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند تا با ایجاد کانون‌های جدید و ضریب دادن به ترکیه پسااسلام‌گرا که در قالب اقدامات گل و اردوغان، یک اسلام میانه‌رو را به نمایش گذاشته‌اند، مدلی به ظاهر کم‌هزینه‌تر را در مقابل جنبش‌های مردمی منطقه قرار دهند. (شهبازی، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

همان‌طور که مشخص است در اسلامی بودن جنبش‌های منطقه و اسلام‌خواهی مردم تردیدی وجود ندارد. این نکته را می‌توان در رفتار متناقض غرب به وضوح مشاهده کرد. البته بسیاری تلاش دارند تا این اقدامات را خالی از هویت اسلامی و حتی اقدامی غرب‌گرایانه نمایش دهند و آن را تغییر دهند. به همین منظور، تلاش‌هایی را برای دامن زدن به دعوای فرقه‌ای، ایران‌هراسی، بزرگ‌نمایی خطر بنیادگرایی و علم کردن دوباره بنیادگرایان و تشبیه آنان به اسلام‌گرایان و نمایش دادن آنها به عنوان تیپ ایدئال اسلام‌گرایان و دچار بحران ساختن ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای آغاز کرده‌اند. (یزدان پناه، ۱۳۹۰)

از دید دول حاشیه خلیج فارس، تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است و از منظر آنها یک هلال شیعی^۱ از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. (عزتی، ۱۳۹۰: ۲۸) در نگاه آنان، ایران تلاش دارد تا با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، به قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی‌مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد. (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷۰ - ۵۶)

در سال‌های اخیر نیز نگرانی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران موجب سردتر شدن روابط دو کشور نسبت به گذشته شده است و روابط دیپلماتیک و ارتباطات میان دو کشور ضعیف‌تر گردیده است. عربستان برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه، اقدامات زیادی انجام داده است و تلاش می‌کند با حل و فصل مشکلات و بحران‌های موجود در منطقه، جایگاه خود را بهبود بخشد و در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران از قدرت و نفوذ ایران بکاهد. (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۳۴) این اقدامات در بسیاری از موارد از طریق سیاست حمایت از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً ایالات متحده آمریکا و خرید تسلیحاتی گسترده از غرب پیگیری شده است. حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه موجب می‌شود تا رقابت‌های منطقه‌ای ایران و فضاسازی توسعه حوزه نفوذ ایران در منطقه را کاهش و در مقابل توسعه نفوذ رقبای ایران را افزایش دهد. (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۱۹۴) در تنگنا قرار دادن ایران از طریق محدود کردن حوزه نفوذ ایران در منطقه و کاهش ایفای نقش ایران به عنوان قدرت متنفذ منطقه‌ای از اهداف حضور نظامی آمریکا است؛ چنان‌که آمریکا بارها پس از جنگ سرد، ایران را به عنوان یکی از تهدیدهای عمده نسبت به منافع ملی خویش اعلام کرده است. (Chumbin, 1995: 109)

1. Shiite Crescent.

از منظر دیگر، تهدیدات امنیتی ناشی از تحولات اخیر خاورمیانه برای ایران را می‌توان در دو محور کلی خلاصه کرد: نخست سیر نامشخص رویدادهای آتی و دوم رقبای جدیدی که از رهگذر این تحول، نفوذ و قدرت ایران را تحت‌الشعاع قرار خواهند داد.

هنگامی که موج ناآرامی‌ها در جهان عرب به سوریه کشیده شد، خطر سقوط مهم‌ترین متحد ایران در جهان عرب و ستون دوم محور مقاومت موجب احساس خطر بزرگی برای ایران شد. به‌ویژه اینکه با سقوط بشار اسد، حزب‌الله مهم‌ترین مسیر پشتیبانی و دریافت کمک را از دست خواهد داد. حزب‌الله تضعیف شده، به منزله کاهش قدرت دفاعی ایران است و همچنین منجر به افزایش توان تهاجمی اسرائیل در مقابل حزب‌الله و به تبع آن، ایران خواهد شد. به علاوه با تضعیف حزب‌الله نفوذ ایران بر معادلات داخلی لبنان نیز کاهش خواهد یافت. (Berti, 2011) سقوط بشار اسد شکست بزرگی برای نفوذ ایران در منطقه خواهد بود، باین‌حال قدرت‌های فرامنطقه‌ای، هنوز به اتفاق نظر درباره سوریه نرسیده‌اند. بخش اعظمی از این اختلاف به این برمی‌گردد که اسلام‌گرایی در حرکت مردم سوریه در قیاس با مردم تونس و مصر برجسته‌تر است. به همین دلیل، قدرت‌های غربی تمایل ندارند آنچه که از سوی ناتو بر رژیم قذافی رفت بر بشار اسد هم برود. باین‌حال تغییر در سوریه در گذر زمان دستاوردی برای غرب و شکست مهمی برای ایران خواهد بود؛ چراکه اگر تغییری در سوریه روی دهد، اخوان المسلمین سوریه نقش محوری در فردای بعد از سقوط بشار اسد ایفا خواهند کرد. گروهی که علی‌رغم آنکه با شور و هیجان از انقلاب ایران استقبال کردند، به‌دلیل بی‌اعتنایی ایران در سرکوب سال‌های ۱۹۸۳ - ۱۹۸۱ مردم حمص، ادلب و حما، ناخشنودی خود را از سیاست‌های ایران اعلام داشته‌اند. (بی‌نا، ۱۳۶۳) از سوی دیگر، حمایت دولت ایران از دولت بشار اسد و مخالفت با دخالت خارجی در این کشور سبب شده است تا موجی از اتهامات به جمهوری اسلامی ایران در برخورد دوگانه با انقلاب‌های مردمی در جهان عرب زده شود. با این همه، نهایتاً سقوط بشار اسد می‌تواند چالش امنیتی بسیار مهمی برای ایران خصوصاً در حمایت از حزب‌الله و مقابله با خطرات اسرائیل باشد.

تحول دیگری که در محور مقاومت، در نتیجه تحولات اخیر خاورمیانه روی داد، تغییر استراتژی حماس، یکی از گروه‌های پرنفوذ در محور مقاومت در حمایت از مخالفان دولت بشار اسد و «قهرمان خواندن» مخالفان رئیس دولت سوریه بود. هنگامی که گروه حماس از حمایت رسمی از دولت سوریه در برخورد با ناآرامی‌ها خودداری کرد، بلافاصله دولت قطر اعلام کرد از حماس دعوت نموده تا دفتر خود را از دمشق به دوحه منتقل کند؛ دعوتی که موجب قطع روابط اسرائیل با قطر گردید. (Ahmad and Pettengill, 2011) این تغییر استراتژی حماس در رابطه با ایران نیز مشهود است. بعد از این تحولات بود که محمود زهار، مقام شماره دو حماس در غزه تأیید کرد که این گروه فلسطینی در درگیری احتمالی ایران و اسرائیل دخالت نخواهد کرد.

در مصر نیز شورای نظامی بهره‌مند از کمک چهار میلیارد دلاری عربستان سعودی و کمک دو میلیارد دلاری آمریکا، افزون بر کمک‌های ۱/۵ میلیارد دلاری سالانه، سعی کرد با پیشبرد همزمان فرایند سیاسی و سرکوب جناح‌های تندروی انقلابی، از طرفی جایگاه و نفوذ خود را حفظ کند تا اوضاع از کنترل خارج نشود و از سوی دیگر با تداوم رابطه با اسرائیل، از پیمان کمپ دیوید و مرزهایش با اسرائیل حفاظت کند. (Cooper and Bronner, 2011, Galani, 2011)

بی‌شک، برنده اصلی تحولات لیبی نیز، غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا بود. این کشور با حمایت از شورای انتقالی لیبی به رهبری مصطفی عبدالجلیل و همچنین رهبری نیروهای ائتلاف در اعلام منطقه پرواز ممنوع در لیبی از یک سو، سهم خود را در صنعت نفت و اقتصاد این کشور به دست آورد و از سوی دیگر، راه را برای شکل‌گیری رویه بین‌المللی و دخالت‌های بیشتر در تحولات آتی جهان عرب باز کرد. در جریان این تحولات، ایران قادر نبود به لحاظ سخت‌افزاری بر تحولات تأثیر بگذارد. قدرت نرم ایران نیز با چالش جدیدی چون ترکیه‌ای که ظاهراً مدلی جدید از اسلام‌گرایی عرضه می‌کرد مواجه بود. بنابه تحلیلی، ترکیه با چرخش ناگهانی خود در پیگیری مواضع ضد اسرائیلی و تلاش برای کسب محبوبیت در جهان عرب، رندانه سال‌ها تلاش و اقدامات ضد اسرائیلی ایران را دزدید. (Bilbassy-charters, 2011)

حمایت معنوی ایران از مردم بحرین نیز در چارچوب قدرت نرم ایران با واکنش شدید کشورهای محور ضد مقاومت روبه‌رو شد. در نتیجه این تحولات، ایالات متحده آمریکا با توجه به موقعیت متزلزل متحدانش در منطقه دریافته است که ناگزیر از مدیریت و کنترل روند آتی تحولات مرتبط با بیداری اسلامی است و با چشم‌پوشی بر جنبش‌های مردم بحرین، عربستان سعودی با اعزام نیروهای نظامی خود به منطقه به هدف حمایت از دولت‌های عربستان و بحرین، به کنترل این تحولات اقدام نموده است. (Lour, 2011)

سقوط حکومت‌های مخالف با ایران و ضد محور مقاومت و لرزان شدن بنیان حکمرانی برخی دیگر از آنان به هیچ روی به معنی این نخواهد بود که لزوماً دوستان ایران و محور مقاومت روی کار آیند. برخی از جناح‌های اسلام‌گرای سیاسی به همان اندازه که منتقد آمریکا و اسرائیل می‌باشند، می‌توانند مخالف ایران و محور مقاومت نیز باشند. به علاوه، ایران با رقاباتی که خواهان به دست گرفتن ابتکار عمل در تحولات منطقه هستند دچار چالشی برای حفظ نفوذ و محبوبیت سیاسی و قدرت نرم خود می‌باشد. تندتر شدن اقدامات هواداران پروژه ایران‌هراسی و ضد شیعی بر اثر بزرگ جلوه دادن خطر ایران به همراه تحولات منطقه (بیداری اسلامی) دو تهدید است. (پرتو، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

۲. فرصت‌های امنیتی پیش روی ایران

یک. در سطح داخلی

مشابه بودن فضا در کشورهای شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا شامل تونس، مصر، لیبی، بحرین و اردن و در

مقیاس کوچک‌تر عربستان سعودی، الجزایر، عمان، کویت، مراکش، موریتانی و سودان، زمینه‌ساز شعار واحد همه توده‌های عرب از شهروندان همه این کشورها را فراهم آورده است. برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند که موج این ناآرامی‌ها به زودی ایران را فراخواهد گرفت، اما برخلاف این تحلیل‌ها باید تصدیق کرد که محیط سیاسی داخلی ایران به میزان بسیار اندکی از حوادث جهان عرب متأثر گردیده است. (Metghalchi, 2011)

عدم سرایت تحولات اخیر خاورمیانه به جمهوری اسلامی ایران و ناکامی غرب در سوق دادن این تحولات به ایران، برای این کشور یک دستاورد امنیتی عظیم محسوب می‌شود. ایران با از سر گذراندن، چالش‌های امنیتی ناشی از سرایت انقلاب به دلیل تحولات ژئوپولیتیک منطقه، امنیت و نظم داخلی را تأمین کرده و ثبات سیاسی داخل کشور نیز می‌تواند همچنان دست ایران را به عنوان بازیگری فعال در شکل دادن به امنیت و تحولات منطقه‌ای باز نگه دارد.

دو. در سطح منطقه‌ای

اگرچه تحولات اخیر خاورمیانه در محور مقاومت تغییراتی را به وجود آورد و متعاقباً تغییر استراتژی برخی از گروه‌های مؤثر در این محور را در پی داشته است، اما باید این مسئله را مد نظر داشت که زلزله تحولات اخیر در خاورمیانه نخستین بار در محور ضد مقاومت پدید آمد و این رویداد برخلاف محور مقاومت که تاکنون منجر به تغییرات ثمر بخش نشده است، رژیم حاکم بر کشورهای درگیر از جمله مصر، تونس و یمن را که از کشورهای متحد غرب بودند و در محور ضد مقاومت سنگربندی کرده بودند، دستخوش تغییرات جدی کرده است.

از این رو، آنچه می‌تواند در تحولات اخیر خاورمیانه برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت باشد، بحران در کشورهای محور ضد مقاومت و متعاقباً روی کار آمدن رژیم‌های حداقل نه هم‌سو با ایران، بلکه هم‌سو با افکار عمومی در این کشورها از جمله در تونس، مصر، یمن و حداکثر روی کار آمدن رژیمی هم‌سو با ایران در بحرین باشد.

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه فرصت باشد، سرنگونی رژیم‌هایی بود که رویکردی استبدادی و ضد اسلامی داشتند. چنان‌که بر اساس گزارش‌ها رژیم سی‌ساله حسنی مبارک، مصر را به پایگاه آمریکا تبدیل کرده بود و هرگونه صدای اسلام‌خواهی و دین‌گرایی را با تمام قدرت در نطفه خفه می‌کرد. همچنین حکومت بیست‌ساله بن‌علی در تونس نیز به شدت رویکردی ضد دینی و ضد اسلامی داشت و به باور برخی از اندیشمندان، اعمال این سیاست‌های ضد اسلامی از سوی رئیس‌جمهور تونس در اداره جامعه، یکی از عوامل طغیان اسلامی مردم این کشور محسوب می‌شود. بن‌علی نه تنها به ریشه کن کردن حرکت‌های اسلامی و تبعید رهبران اکتفا نکرد، بلکه تمامی تلاش‌های خود را به کار بست تا هرگونه رفتار و نشان اسلامی را در جامعه پاک کند؛ اجرای قانون ممنوعیت حجاب و جلوگیری از ورود افراد کمتر از ۴۰ سال به مساجد تونس، مهم‌ترین نمود آن بوده است.

در لیبی نیز معمر قذافی با بیش از چهل سال حکومت استبدادی در این کشور، تلاش کرد تا ایدئولوژی ملی‌گرایی را جایگزین اسلام‌گرایی کند. علی عبدالله صالح، در یمن تلاش کرد تا در هم‌سویی با سیاست‌های غرب، اسلام‌گرایان را در این کشور سرکوب کند. تحولات بعد از سرنگونی حاکمان این کشورها حاکی از آن است که اسلام‌گرایان نقش مؤثری را در تحولات این کشورها خواهند داشت. این امر در مصر به پیروزی اخوان المسلمین و در تونس به پیروزی حزب النهضة انجامیده است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند در صورت برگزاری انتخابات آزاد در یمن و لیبی اسلام‌گرایان پیروز احتمالی انتخابات خواهند بود. واضح است که شکل‌گیری نظام‌های اسلامی همانند جمهوری اسلامی، مطلوب ایران است؛ چراکه غایت آن، هم‌افزایی استراتژیک برای جمهوری اسلامی است که حوزه اقتدار خود را گسترش داده و با توجه به احتمال هم‌پیمانی این حکومت‌ها در مرحله بعدی، توسعه امنیت منطقه‌ای و جهانی و متعاقباً نفوذ ایران را به دنبال خواهد داشت.

مهم‌ترین تحولی که در تحولات اخیر خاورمیانه روی داد، سرنگونی رژیم حسنی مبارک در مصر بوده است. بی‌شک این سقوط تاکنون می‌تواند بزرگترین فرصت امنیتی برای جمهوری اسلامی و مهم‌ترین چالش امنیتی برای اسرائیل و در مرحله بعد عربستان و در کل برای محور ضد مقاومت فراهم آورد. هنگامی که حسنی مبارک در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفت، اسرائیلی‌ها او را «گنج استراتژیک» خود خواندند و از آمریکا خواستند که به هر طریقی وی را در قدرت نگه دارند؛ زیرا استراتژیست‌های اسرائیل دقیقاً واقف بودند که سقوط دولت مبارک می‌تواند اسرائیل را در تنگنای ژئوپولیتیکی خطرناک در منطقه قرار دهد. سرلشکر «ایال ایزنبرگ» فرمانده جبهه داخلی اسرائیل در همایش سالانه رؤسای شورای محلی اظهار داشت:

شاخص‌های موجود به‌ویژه پس از انقلاب‌های عربی و سرنگونی رژیم‌هایی که با اسرائیل تعامل داشتند، نشان از تغییرات در میدان جنگ آینده دارد و اسرائیل با یک «زلزله منطقه‌ای» مواجه است که امنیت و ثبات آن را تهدید می‌کند. (امین، ۱۳۹۰)

بدین ترتیب با سرنگونی حسنی مبارک به نظر می‌رسد موازنه قدرت در منطقه به گونه‌ای شگرف در حال تغییر است. در چنین حالتی به نظر می‌رسد که با تغییر شرایط موازنه قوا، خاورمیانه به سمتی می‌رود که جبهه مقاومت در برابر اسرائیل موقعیت بهتری را حداقل نسبت به گذشته پیدا می‌کند. پرواضح است که این شرایط به تضعیف موقعیت اسرائیل در منطقه کمک می‌کند. از سوی دیگر یکی از نگرانی‌های ژئوپولیتیکی مصر در دوران پس از حسنی مبارک، باز بودن مرز رفح می‌باشد که با عبور فلسطینیان از گذرگاه رفح، جریان مقاومت تقویت شده و ارتباط بین حماس و اخوان المسلمین برقرار شود. (علایی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

مسئله دیگری که می‌تواند فرصت امنیتی مناسبی برای ایران در تحولات اخیر خاورمیانه فراهم آورد، این است که با توجه به وابسته بودن دولت‌های عربی به غرب، حرکت به سوی حکومت‌های دموکراتیک در جهان عرب، در بسیاری از موارد به قدرت یافتن شیعیان و فضای مانور بیشتر برای ایران در خاورمیانه منجر

خواهد شد. (حافظیان، ۱۳۸۸ب) این امر به‌ویژه در بحرین که بیش از ۶۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، می‌تواند به روی کار آمدن دولتی با اکثریت شیعیان و همسو با ایران بینجامد. اتفاقی که در صورت رخ دادن، حضور ناوگان پنجم نظامی آمریکا را در این کشور با چالش جدی مواجه می‌کند و با توجه به نقش عربستان در سرکوب قیام مردم این کشور، می‌تواند به چالش امنیتی برای عربستان خصوصاً نواحی شرقی این کشور یعنی «قطیف» که اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند و سرشار از منابع نفتی است بینجامد. هرگونه تغییری در حکومت بحرین، تبعات امنیتی - سیاسی سنگینی برای محور ضد مقاومت دارد که این امر باعث بی‌ثبات‌تر شدن این محور می‌شود.

نتیجه

تحولات انقلابی اخیر منطقه خاورمیانه حاوی نکات بسیار ارزشمندی بوده که نمود و پیامدهای آن را در آینده بیشتر درک خواهیم کرد. یکی از مهم‌ترین نکات تحولات ژئوپولیتیک اخیر خاورمیانه، ظهور بازیگران جدید در منطقه است. ملت‌های عرب با برپایی انقلاب‌های اخیر، خود را به عنوان بازیگران تأثیرگذار در تحولات آینده خاورمیانه مطرح کردند. مردم کشورهای عربی با اهدافی چون مبارزه با استبداد، رفع فقر و فساد و از همه مهم‌تر دموکراسی خواهی خود، تمامی نگاه‌ها از همه نقاط جهان را به خود معطوف کردند. یکی از فرصت‌های امنیتی پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تحولات خاورمیانه، نزدیکی و برقراری ارتباط با ملت‌های عرب منطقه است. علی‌رغم وجود رقیب قدرتمندی چون ترکیه، شایسته است ایران با ارائه تصویری درست از خود نزد ملت‌های عرب نسبت به برقراری ارتباط با آنها اقدام کند. برای بهره‌برداری از فرصت‌های دیگر امنیتی در تحولات ژئوپولیتیک منطقه، مقابله درست با تهدیدات پیش روی در درجه اول اهمیت قرار دارد. چالش‌هایی چون حضور رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان، احتمال از دست دادن دوستان استراتژیک در منطقه نظیر سوریه، حضور راهبردی آمریکا و اسرائیل پس از تحولات اخیر منطقه و ... تدبیر صحیح در باب این چالش‌ها، فرصت‌های بیشتری پیش روی ایران قرار خواهد داد. استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی برای برقراری ارتباط بیشتر با ملت‌های منطقه، تنش‌زدایی و همراهی استراتژیک با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، اتخاذ رویه واحد در قبال تحولات اخیر منطقه و برقراری ارتباط کارآمدتر با نظام‌های پس‌انقلابی در کشورهای منطقه، از جمله راهکارهای مطلوب امنیتی پیش روی ایران در قبال تحولات اخیر منطقه است. تلاش در راه هماهنگ شدن با دگرگونی‌های جهانی و منطقه‌ای و شکل دادن به این دگرگونی‌ها براساس منافع ملی، باید انگیزه پراهمیتی در تدابیر سیاست‌گذاری خارجی ایران باشد و برای دستیابی و بهره‌برداری از این موقعیت‌ها حضور صحیح در قلب تحولات منطقه‌ای ضروری است. همه این تدبیر و راهکارها در شرایطی امکان‌پذیر است که درک واقع‌بینانه‌تری به چالش‌ها و فرصت‌های فراروی در تحولات منطقه داشته باشیم.

منابع و مأخذ

۱. آشکار، ژیلمر، ۱۳۹۰، «انقلاب تازه آغاز شده است»، گفتگو با الاخبار انگلیسی، ترجمه امیررضا گلابی، روزنامه شرق، ۲۰ مهر ۱۳۹۰، شماره ۱۳۶۶.
۲. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۳. اخباری، محمد و محمدحسن نامی، ۱۳۸۸، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۴. الهی، همایون، ۱۳۸۴، خاورمیانه و مسائل آن، تهران، انتشارات قومس، چ هشتم.
۵. امین، امیل، ۱۳۹۰، «آیا انتخابات مصر به جنگ با اسرائیل می‌انجامد»:
<http://pngo.irindex.php?option=com-content&view=article&id=1419:2012-01-09-09-7>
۶. بی‌نا، ۱۳۶۳، سند شماره ۳۲۸۰، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۷. پرتو، امین، ۱۳۹۰، «جمهوری اسلامی و انقلابات عربی: برآوردی از فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی»، تهران، کتاب همایش اسلام و تحولات ژئوپولیتیک شمال آفریقا.
۸. پورااحمدی، حسین و جمال جمالی، ۱۳۸۸، «طرح هلال شیعی: موانع و پیامدها»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۶.
۹. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، «قدرت و امنیت در عصر پسامدرن»، فصلنامه گفتمان، سال اول، شماره صفر، بهار ۷۷.
۱۰. توتی، حسینعلی و نجف شیخ سرائی، ۱۳۹۰، «سیاست خارجی ایران و ژئوپولیتیک اخیر خاورمیانه»، همایش اسلام و تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران، اسفند ۹۰.
۱۱. جلیلود، محسن، ۱۳۸۹، «جهانی شدن و خاورمیانه: نگاهی به فرآیند جهانی شدن»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، «اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک»، مشهد، انتشارات پاپلی، چ اول.
۱۳. حافظیان، محمدحسین، ۱۳۸۸ الف، دولت، نخبگان و توسعه در خاورمیانه، تهران، انتشارات معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
۱۴. حافظیان، محمدحسین، ۱۳۸۸ ب، «چشم انداز خاورمیانه در دهه آینده»:
<http://fa.merce.ir/archive/tabid/62/article type/article view/article ID/40/-aspx/>
۱۵. دراسیدل، آلاسدایر و بلیک جرالدد، ۱۳۷۴، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران، انتشارات وزارت خارجه، چ پنجم.

انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها □ ۱۵۵

۱۶. شهبازی، محمدصادق، ۱۳۹۰، *بیداری اسلامی؛ هویت و فرهنگ اسلامی*، تهران، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۱۷. شهیدی، فرزانه، ۱۳۹۰، «واکاوی نهضت‌های مردمی در جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات سیاسی روز*، سال دهم، شماره ۳۹.
۱۸. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۹۰، *جغرافیای استراتژیک ایران*، جلد دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۹. علایی، حسین، ۱۳۹۰، «بررسی و ارزیابی توافق سازمان‌های فلسطینی فتح و حماس»، تهران، *فصلنامه دیپلماسی*، شماره ۴، بهار ۹۰.
۲۰. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، *ایده‌های ایرانی و دگرگونی‌های ژئوپولوتیک*، تهران، نشر نی.
۲۱. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۶، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، انتشارات سمت، چ دوم.
۲۲. نادری نسب، پرویز، ۱۳۸۹، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.
۲۳. هور، استوارت و لاندلبای نات، ۱۳۸۲، «*رسانه، دین و فرهنگ*»، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، تهران، نشر قومس.
۲۴. یزدان‌پناه، مهدی، ۱۳۹۰، *سازمان کنفرانس اسلامی و بیداری اسلامی*، تهران، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
25. Aahmad, H and Pettengill, J, 2011, "A New Home For Hamas?, Foreign Policy 13 Dec 2011", available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/12/13-a-new-home-for-hamas>.
26. Berti, Benedetta, 2011, "Stormy weather ahead for Hizbollah", Dec 2011, stormy-weather- 60757: <http://www.thejc.com/comment-and-debate/comment/ aheadhizbollah>.
27. Bilbassy-charters, Nadia, 2011, "Leave It to Turkish soap operas to Conquer Heart and Minds, foreign policy April 15 2010", available at: <http://Mideast.foreignpolicy.com/posts/2010/04/15/leave-It-to-Turkish-soap-operas-to-conquer-heart-and-Minds>.
28. Brom, Shlomo, 2011, "Isreal and the Arab world:the Power of the people", In: *Anat Kuiz and shlomo brom*, Editors (2011) Strategic Survey for Isreal 2011 (Tel Aviv:Institude for National Security Studies).
29. Chumbin, Shah, 1995, "Irans National Security", in *Geffery Kemp Gross Stein* (ed) Power Keg in the Middleeast, laham:Rowman and littlefiled publisher Inc.
30. Cooper, H and Bromer, E, 2011, "focus on obama as tension soar Across Middle East",

NewYork Times, May 18 2011, available at:

<http://www.nytimes.com/2001/05/19/World/MiddleEast/19diplo.html>.

31. Korotayeva Zinkinay, 2011, "Egyptian revolution a demographicstructural analysis Entelequia revista", *interdiscipliar13*.
32. Ladis K.D, March 1960, "The origins and Evolution of Geographics", *Journal of conflict Resolution*, Ivp.19.
33. Lour, Iaurence, 2011, "AFALLED UPRISING IN BAHRAIN", May 2011, *Europe an Union Institute for Security Studies*, available at:
<http://www.iss.europa.eu/uploads/Media/A-Faild uprising in Bahrain.Pdf>.
34. Metghalchi, Nazanin, 2011, "Is Iran immune form the Arab spring?Fride", *A Europe Think Tank For Globalaction*, N99, October 2011, available at:
<http://www.fride.org/download/PB-99-Iran.pdf>.
35. Motlaq Bin Salem Al Azima, "Gcc Troops to Stay in Bahrain till Warding off threats", www.Alarabiya.net 23 March 2011.

